

خود را دست‌کاری می‌کنند و با بازیگردانی قیمت و ارزش سهام را بالاتر از واقع نشان می‌دهند و با ایجاد صف خرید و فروش کاذب، سودهای کلانی را نصیب خود می‌کنند. بنابراین یکی از مشکلاتی که متصدیان بازارهای مالی جهان با آن روبه‌رو هستند، تغییر در واقعیت بازار توسط سودجویان است. این سودجویان با انجام معاملات صوری باعث تغییر کاذب قیمت‌ها می‌شوند و یا صف‌های خرید و فروش را با سفارش‌های کاذب دستخوش تغییر می‌کنند که در اصطلاح به آن دستکاری قیمت گفته می‌شود و هدف از آن، فریب سرمایه‌گذاران است.

این مورد نه تنها دارای مشکل قانونی است بلکه مشکل فقهی و شرعی نیز دارد. به این دلیل

**۹۹ ضروری است که سازمان بورس و قوه قضاییه با برخورد با این افراد سیگنال دهنده، امنیت خاطر فعالان این حوزه را فراهم کنند و سلامت این بازار را تضمین کنند و در این زمینه می‌توان در سازمان بازرسی کشور، دفتری جهت رصد امور بورسی ایجاد شود و با همکاری نهاد ناظر بورس به مقابله با این افراد سیگنال دهنده بپردازند تا از کلاهبرداری این افراد جلوگیری شود.**

که کسی که سهمی را با پذیرش قیمت واقعی خریداری می‌کند، ثمن معامله را پرداخت می‌کند در حالی که قیمت واقعی سهم کمتر است و چنین معامله‌ای محل اشکال است. بنابراین چنین اقداماتی به جهت ممنوعیت قانونی و شرعی، غیرمجاز است و باید با آن عاملین آن برخورد شود. بنابراین بورس می‌تواند با بستن نماد شرکت‌ها، اجازه معامله به آن‌ها دهد و تا زمانی که اصلاحات قیمتی بر مبنای ارزش واقعی سهام نداده‌اند نباید نماد معاملاتی آن‌ها را باز کنند. بنابراین نهاد ناظر سازمان بورس باید اطلاعات وقوع جرم را به دستگاه قضایی بدهد تا دستگاه قضایی به این عملکرد مجرمانه رسیدگی کند و مجرمان را مجازات کند.

## پیشنهاد قانونی جهت جلوگیری از حبابی شدن بازار سرمایه

حباب شدنی بازار یعنی افزایش بیش از حد انتظار قیمت یک یا چند دارایی که این افزایش تا جایی ادامه می‌یابد که به طور ناگهانی سقوط کرده و فضای قیمتی ایجاد شده در هم بشکند.

ساز و کار حبابی نشدن بورس دو جهت دارد:

۱- سرمایه‌گذار ۲- قانون‌گذار

در سمت سرمایه‌گذار بخشی از مشکل به آموزش ندیدن و آگاهی نداشتن سرمایه‌گذاران برمی‌گردد. سرمایه‌گذارانی که قدرت تحلیل اصولی را ندارند و به اشتباه تحت تأثیر جو مثبت بازار سهام ضررده‌ای را می‌خرند و قیمت‌ش را با پمپاژ نقدینگی به شکل حباب‌گونه‌ای بالا می‌برند و بعد با یک اصلاح کوچک دست به فروش سنگین سهام‌هایشان می‌زنند و بورس را دچار حبابی شدن می‌کنند.

اما در سمت قانون‌گذار، ما سال‌هاست که نیاز به مکانیزمی اثربخش تحت عنوان فروش استقراضی برای بورس داریم اما همچنان بعد از سال‌ها بحث و بررسی، فروش استقراضی در حد یک حرف باقی مانده و در عمل سرمایه‌گذاران از آن استفاده‌ای نمی‌کنند. شاید دلیل این امر این باور غلط باشد که مکانیزم فروش استقراضی را به دست آوردن سود از ضرر دیگران می‌داند یا این شیوه را باعث کاهش قیمت سهام شرکت‌های ارزشمند جلوه می‌دهد اما هم مطالعات علمی دانشگاهی و هم تجربیات بورس‌های بین‌المللی نشان می‌دهد، فروش استقراضی کارایی بازار و عمق بازار را افزایش خواهد داد.

در فروش استقراضی به‌طور ساده سرمایه‌گذار نسبت به فروش یک دارایی در قیمت‌های بالا اقدام می‌کند با این امید که دوباره همان دارایی را پس از افت، در قیمت‌های پایین‌تر خریداری کند و سود از محل کاهش قیمت یک دارایی شناسایی خواهد شد. بیشتر سرمایه‌گذاری که از این شیوه استفاده می‌کند یا اصطلاحاً موقعیت فروش اتخاذ کرده مالک دارایی نبوده و آن را از سایر سرمایه‌گذاران قرض خواهد گرفت.

## لزوم نظارت بر تخصیص نقدینگی ناشی از فروش سهام‌ها برای تولید

رشد شاخص بورس بدون تحولات توسعه‌ای

در ساختار شرکت‌ها، به معنای ناکارآمد بودن وجوهی است که مردم در بورس پرداخت می‌کنند و این وجوه علی‌رغم تصورات معمول به افزایش تولید و سرمایه‌گذاری در توسعه خطوط تولید نمی‌انجامد. این ایراد بزرگ و نگران‌کننده به مدیریت دولت مرتبط است که توان یا اراده تسهیل بستر اقتصادی استاندارد و درست و یا امکان و نفوذ اعمال نظر در الزام شرکت‌های بورسی برای استفاده از دارایی‌های مردم جهت رونق خطوط تولید را ندارند. بنابراین آنچه از خرید و فروش سهام در بورس مشهود است فقط جا به جایی پول از دستی به دست دیگر است.

بنابراین لازم است دولت بر عملکرد شرکت‌های بورسی نظارت کند تا نقدینگی حاصل از فروش سهام در بازار اولیه را در جهت راه‌اندازی خط تولید و رونق تولید بهره‌بردار و اگر این نقدینگی واقعاً در مسیر تولید استفاده نشود دوباره به چرخه اقتصاد تورمی کمک خواهد کرد.

## لزوم اصلاح قوانین جهت حضور سرمایه‌گذاری خارجی در بورس

جذب سرمایه با هدف سرمایه‌گذاری، می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. سرمایه خارجی نیز به دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم یعنی سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد و غیرمستقیم یعنی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی است. تحقق جذب سرمایه‌گذاری خارجی غیرمستقیم، نیازمند الزاماتی از جمله بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار است. بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار، نیازمند حساسیت‌های بیشتری در انتخاب همکاران استراتژیک، اولویت دادن به کشورهای اسلامی دارای منافع مشترک و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مردم‌محور است.

## الزامات بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار:

- ۱- اصلاح قوانین حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در بازار سرمایه، همانند سرمایه‌گذاری خارجی به روش مستقیم
- ۲- اصلاح قوانین ارزی کشور
- ۳- عضویت بورس اوراق بهادار در سازمان‌ها، فدراسیون‌ها و انجمن‌های بین‌المللی و برقراری تعاملات حقوقی.